

### متن پرسش

سلام. حضرت استاد در تفسیر المیزان من باب واژه امام مطالبی بیان شده است که به نظر حقیر به دلایلی ناقص می آید از آن جهت که واژه امام و لفظ مشتق آن ائمه برای پیشوای باطل هم بیان شده است ولی این واژه در المیزان به گونه ای بیان شده است که فقط جنبه ی قدسی و ماورایی و هدایت به امری آن لحاظ شده است آنچه در آیه ی وجعلناکم ائمه یهدون بامرنا که هدایت به امر نامیده می شود و امر را هم بنا بر تفسیر ایجاد بی زمان لحاظ کرده ایم. جدای اینکه امر به غیر از این مقصود هم در قرآن ذکر شده است آنچه در آیه اولو امر است که صاحبان امر یعنی همان حاکم سیاسی اجتماعی و جنبه ولایت سیاسی را بیان می کند خود واژه ائمه در آیاتی که وقتلوا ائمه الکفر و نظیر آن است غیر جنبه ی اصطلاحی مدنظر است و پیشوایان و خواص کفار است چگونه این مطلب توجیه می شود؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آنجایی که علامه طباطبایی «رحمة الله علیه» در آیه ی «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» «امر» را به عنوان ایجاد بی زمانی معنا کرده اند ناظر است بر آیه ای که ما را متوجه مقامی از امام می کند که قرآن در وصف ائمه می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (۷۳)» یعنی فعل خیر را به آنها وحی کردیم. یعنی فعل آنها عین وحی الهی است و از این جهت است که امام در این جا در مقامی است که هدایتش نیز هدایت امری است یعنی هدایت «کن فیکون» و این معنا برای امام غیر از معانی دیگری است که برای امام در قرآن به کار رفته اعم از امام جور و یا امام عدل. موفق باشید